

❖ استهزاء مؤمنین

از عناوینی که می تواند در بسیاری از رشته های هنری مورد استفاده قرار گیرد، عنوان استهزاء است که بسیاری از طنزها در شوون مختلفشان با آن مرتبط هستند.

استهزاء گاه نسبت به خدای متعال است و گاه نسبت به انبیاء و ملائکه و گاه نسبت به احکام الهی است و گاه نسبت به مؤمنین و گاه نسبت به انسان های دیگر.

این کار که به معنی مسخره کردن است با عناوین دیگری هم چون احتقار، استخفاف، ازدراء (حقیر داشتن)، انتقاص تعبیر می شود. ضمن اینکه ممکن است در مواردی با اهانت تطبیق کند.

بحث ما در این مورد ابتدا درباره «مسخره کردن مؤمنین» است که شیوع بیشتری دارد و بعد درباره شقوق دیگر سخن می گوئیم.

مرحوم صاحب جواهر از موانع عدالت، به گناہانی اشاره می کند که از آنها تصریح به عذاب شده است. وی از زمره آنها به «استهزاء مؤمنین» اشاره کرده و می نویسد:

«السادس الاستهزاء بالمؤمنین، لقوله عزوجل «الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ، وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»»^۱

ما می گوئیم:

۱. اشاره ایشان به آیه ۷۹ سوره توبه است که در آن «مطووعین من المومنین فی الصدقات» یعنی «مومنانی که علاوه بر صدقات واجبه، صدقات مستحبه را هم پرداخت می کنند» را عیب جویی می کنند و «الذین لا یجدون الا جهدهم» یعنی مومنانی که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم مضایقه نمی کنند» را مسخره می کنند، یاد شده اند.

در تفسیر این آیه، شأن نزول آن را چنین ذکر کرده اند که پیامبر وقتی می خواستند برای جنگ تبوک لشکر اسلام را آماده کنند، لازم بود که از مردم کمک جمع آوری شود. بسیاری از اغنیاء از زکات های واجب یا مستحب به این امر کمک کردن، در این میان برخی از افراد کم درآمد هم مقداری کم کمک کردند، نام این فرد را ابو عقیل انصاری یا سالم بن عمیر انصاری ضبط کرده اند وی با تحمل کار اضافی و

۱. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۱۳، ص ۳۱۴.





کشیدن آب در شب، دو من خرما مزد گرفت و یک من آن را (صاع من تمر) به پیامبر اختصاص داد، این امر موجب تمسخر منافقین شد.

مطوعین از ماده «طوع» به معنای اطاعت است ولی ظاهراً بر افرادی اطلاق می شود که علاوه بر واجبات به مستحبات هم عمل می کنند.

فخررازی داستان را چنین تعریف می کند که منافقین کسانی که پول زیاد داده بودند را به ریاکاری متهم کرده اند و ابوعلیل انصاری را متهم کردند که می خواسته خودش را در میان بزرگانی جای دهد.^۱

«ثم إن أولئك الجهال من المنافقين ما كان يتجاوز نظرهم عن ظواهر الأمور فعيروا ذلك الفقير الذي جاء بالصدقة القليلة، و ذلك التعبير يحتمل وجوها:

الأول: أن يقولوا إنه لفقير محتاج إليه، فكيف يتصدق به؟ إلا أن هذا من موجبات الفضيلة، كما قال تعالى:

وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ [الحشر: ۹] و ثانيها: أن يقولوا أي أثر لهذا القليل؟ و هذا أيضا جهل، لأن هذا الرجل لما لم يقدر إلا عليه فإذا جاء به فقد بذل كل ما يقدر عليه فهو أعظم موقعا عند الله من عمل غيره، لأنه قطع تعلق قلبه عما كان في يده من الدنيا، و اكتفى بالتوكل على المولى. و ثالثها: أن يقولوا إن هذا الفقير إنما جاء بهذا القليل ليضم نفسه إلى الأکابر من الناس في هذا المنصب، و هذا أيضا جهل، لأن سعى الإنسان في أن يضم نفسه إلى أهل الخير و الدين، خير له من أن يسعى في أن يضم نفسه إلى أهل الكسل و البطالة.»^۲

۲. آیه دیگری که درباره استهزاء مؤمنین توسط منافقین مورد اشاره است، آیه ۱۴، سوره بقره است:

«وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شِيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِؤْنَ.»^۳

ترجمه: «و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با

شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شما ایم ما فقط [آنان را] ریشخند می

کنیم.»

۱. تفسیر فخر رازی، ج ۱۵، ص ۱۴۵.

۲. همان.

۳. بقره/ ۱۴.



۳. نکته مهم آن است که در هر دو آیه ذکر شده، پس از اینکه خدای سبحان، منافقین را به عنوان «استهزاء کنندگان» شماتت می کند، می فرماید که خدا آنها را استهزاء می کند.

«الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^۱

ترجمه: «کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب] از روی میل صدقات [مستحب نیز] می دهند عیب می گیرند و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به اندازه توانشان نمی یابند [عیبجویی می کنند] و آنان را به ریشخند می گیرند [بدانند که] خدا آنان را به ریشخند می گیرد و برای ایشان عذابی پر درد خواهد بود.»

«لِلَّهِ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ»^۲

ترجمه: «خدا [است که] ریشخندشان می کند و آنان را در طغیانشان فرو می گذارد تا سرگردان شوند.»

